



مجری آزمون
سنجش

زمان برگزاری آزمون
۱۲ مرداد ۱۴۰۲

اصل سوالات آزمون استخدامی

دیپری عربی ۱۴۰۲

✓ اصل سوالات آزمون استخدامی دیپری عربی برگزار شده در ۱۲ مرداد ۱۴۰۲

✓ نسخه رایگان شامل ۶۰ سوال به همراه کلید سوالات در انتهای جزوه

✓ مجری آزمون: سنجش



لینک های مفید آزمون استخدامی دبیری عربی

خرید این محصول	سوالات رایگان دبیری عربی با پاسخنامه
خرید سوالات دبیری عربی	سوالات رایگان آموزش و پرورش با پاسخنامه
خرید گلچین سوالات مشترک آزمون	خرید پکیج سوالات مشترک آزمون
خرید درسنامه مشترک آزمون	منابع مشترک آزمون
جزوات خلاصه مشترک آزمون	منابع تخصصی دبیری عربی
فایل اطلاعات آزمون	اخبار آزمون
شبکه های اجتماعی ایران عرضه (فایل های رایگان + تخفیفات هفتگی + اخبار)	

(برای مشاهده هر بخش روی آن بزنید )

فهرست مطالب

- ❖ فصل اول: سوالات تاپ شده آزمون استخدامی دبیری عربی ۱۲ مرداد ۱۴۰۲ - صفحه ۴ (۶۰ سوال)
- ❖ فصل دوم: کلید سوالات آزمون استخدامی دبیری ادبیات عربی ۱۲ مرداد ۱۴۰۲ - صفحه ۱۶



❖ فصل اول: سوالات تایپ شده آزمون استخدامی دبیری عربی ۱۲ مرداد ۱۴۰۲

۱- عین الخطاء فی جمع الاسماء التالية:

(۱) أُسوة - أُسَي (۲) يَمِين - يُمْنِي (۳) عَصَا - عَصِي (۴) حَوَار - حَوَارَت

۲- عین الخطاء للفراغ: «لَشَعْبٌ من شعوب الارض الا و كان دين و طريقة للعبادة»

(۱) كبير (۲) كبير (۳) كبيراً (۴) كبير

۳- عین الخطاء حول إعراب أسماء الاستفهام:

(۱) « مَنْ ذا الذي أوجَدَ الشَّمْسُ في الجَوِّ من الشَّرِّرة » مَنْ ذا: خبر مقدّم

(۲) وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ ارْنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَى..... كَيْفَ: مفعول به الثاني لِ «أرني»

(۳) (أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ) كَيْفَ: حال

(۴) «مَنْ ذا الذي جَهَرَ الإنسان بقوةً مفتركة» مَنْ ذا: مبتدأ

۴- عین الخطاء: (iranarze.ir)

(۱) ذهبت كلتا الطالبتين الى المكتبة (۲) نصرتُ صديقَي كليهما في المصنع

(۳) شاهدت كلتي تلميذتي هذا (۴) رأيْتُ كلا الرجلين في الشارع

۵- عین الخطاء في «الإضافة و التّوصيف»

(۱) نظامُ الجمهوريّة الاسلاميّة لإيران (۲) نظامُ الجمهوريّة ایران الاسلاميّة الإيرانيّ

(۳) نظام الجمهوريّة الاسلاميّة الإيرانيّ (۴) نظامُ الجمهوريّة الاسلاميّة الإيرانيّة

۶- عین اخطاء في محلّ الإعرابی لِ «هذا»

(۱) لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ هذا: مبتدأ، في محلّ الرّفْع

(۲) «أليس من المناسب كتابة لوحةٍ جداريّةٍ مكتوبٍ عليها هذا الحديث» هذا: نائب فاعل، في محلّ الرّفْع

(۳) « لاتنس قَوْلَكَ هذا» هذا: عطف بيان و منصوب بالتبعيّة

(۴) وَ قَالُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ هذا: مبتدأ، في محلّ الرّفْع

۷- عین الخطأ حول محلّ «غير» من الإعراب

(۱) « لا يقع في السّوء غيرُ فاعله»: فاعل و مرفوع ظاهراً

(۲) « جاء نبي رَجُلٌ غيرك » صفة للتّكررة و مرفوع بالتبعيّة

(۳) «لكلّ داء دواء غير الحمّاقه»: مستثنى و منصوب ظاهراً

(۴) «عندي درهم غير جيّد»: عطف بيان و مرفوع بالتبعيّة

۸- عین ما ليس فيه «المفعول المطلق»

(۱) السّمك المدفون ينام أكثر من سنّة نوماً عميقاً

(۲) أَنْتَ أَحْسَنَ النَّاسِ حُسْنًا

(۳) سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى

(۴) النَّاسُ يُجَاهِدُونَ لِّلْمَوْتِ إِمَّا خَلَاصًا وَإِمَّا هَلَكَ

۹- عَيْنُ الْخَطَا حَوْلَ «مَا»

(۱) (قَتَلَ الْإِنْسَانُ مَا أَكْفَرَهُ) ما: تعجبیه، نکره بمعنی شیء عظیم

(۲) وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا ما: زائدة

(۳) وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ ما: للتفیی

(۴) مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ ما: اسم الموصول

۱۰- عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي بِنَاءِ الْمَجْهُولِ:

«يَأْمُرُ الْقُرْآنُ الْمُسْلِمِينَ بِالْوَحْدَةِ وَيَدْعُوهُمْ إِلَى التَّعَايِشِ السَّلَامِيِّ»

(۱) المسلمون يُأْمَرُونَ بالوحدة و يُدْعَى إِلَى التَّعَايِشِ السَّلَامِيِّ

(۲) يُأْمَرُ الْمُسْلِمُونَ بالوحدة و يُدْعَوْنَهُمْ إِلَى التَّعَايِشِ السَّلَامِيِّ

(۳) يُؤْمَرُ الْمُسْلِمُونَ بالوحدة و يُدْعَاهُمْ إِلَى التَّعَايِشِ السَّلَامِيِّ

(۴) يُؤْمَرُ الْمُسْلِمُونَ بالوحدة و يُدْعَوْنَ إِلَى التَّعَايِشِ السَّلَامِيِّ

عين الخطاء في الاعراب و التحليل الصرفي (۱۱- ۱۲)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْقِلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

(۱) الآخره: اسم - مشتق (اسم الفاعل) - معرف بال - صحيح الآخر / مجرور بحرف الجار

(۲) الَّذِينَ: اسم موصول خاص - معرفه - مبني على الفتح / بدل من «أَيُّ» في محلّ الرّفْع

(۳) أَتَأْقِلْتُمْ: فعل ماضٍ - للمخاطبين - مزيد ثلاثي (من باب استفعال) - لازم - مبني للمعلوم / فعل و فاعله ضمير «تم» و المجله في محلّ النّصب (حال)

(۴) متاع: اسم - جامد - معرف بالاضافة - معرب - صحيح الآخر / مبتدأ و مرفوع و علامة رفعه الضمة الظاهرة

۱۲- مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ (iranarze)

(۱) صَيْحَةً: اسم - جامد - مصدر للنوع - نكرة - صحيح الآخر / مفعول به و منصوب و علامة نصبه الفتحة الظاهرة

(۲) يَخِصِّمُونَ: فعل مضارع - للغائبين - مزيد ثلاثي (من باب إفتعال) - صحيح (سالم) / الجملة من الفعل و الفاعل في محلّ الرّفْع، خبر للمبتدأ

(۳) مَتَّى: اسم استفهام - مبنی على السكون - نكرة / ظرف، خبر مقدّم في محلّ الرّفْع

(۴) كُنْتُمْ: فعل ماضٍ - من الأفعال الناقصة - معتلّ (أجوف) إعلاله بالقلب و الحذف / فعل الشرط و جوابه محذوف

عَيْن الصَّحِيح فِي تَرْجُمَةِ الْآيَاتِ وَالْعِبَارَاتِ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ: (١٧- ١٣)

۱۳- وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ....

- (۱) و آنان که جز خدا را بخوانند دشنام ندهید زیرا از روی دشمنی و نادانی خداوند را دشنام می دهند
- (۲) و آنهایی که جز خدا می خوانند ناسزا نگویند حال آنکه با دشمنی و نادانی شان خدا را دشنام دهند
- (۳) و کسانی که به غیر خدا دعوت می کنند ناسزا نگویند زیرا آنها با دشمنی و نادانی خدایتان را دشنام خواهند داد
- (۴) و آنهایی که جز خدا را می خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی، به نادانی خدا را دشنام دهند
- ۱۴- وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا
- (۱) و نعمت خداوند را خودتان به یاد آورید آنگاه که دشمن بودید و میان دل هایتان مهربانی انداخت پس به نعمت او بردار شدید

- (۲) و نعمت پروردگار را بر خودتان ذکر کنید اگر چه دشمنی بودید و میان دل هایتان پیوند داد پس به نعمتش بردار شدید
- (۳) و نعمت های خدا را بر خویشتن بشمارید هنگامی که دشمنانی بودید که بین دل هایتان الفت ایجاد کرد و به خاطر نعمت او برادرانی شدید
- (۴) و نعمت پروردگار را بشمارید آن هنگامی که دشمن بودید و بین قلوبتان محبت انداخت و به خاطر نعمت او برادر یکدیگر شدید

۱۵- وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتَ أَفْلَاقِهَا عَلَى أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبَهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُ

- (۱) قسم به خداوند، اگر که هفت سرزمین و آنچه در زیر آسمان هایشان دارند به من بخشیده می شد تا از خداوند سر پیچی کنم و پوست جویی را از مورچه بگیرم، انجام نمی دادم
- (۲) به خداوند سوگند اگر چه سرزمین های هفت گانه با هر آنچه در زیر آسمانشان است به من داده شود تا از پروردگار نافرمانی کنم و پوست جویی را از یک مورچه بگیرم وانجام نخواهم داد
- (۳) به خدا سوگند اگر سرزمین های هفت گانه با هر چه زیر آسمان هایشان است به من داده می شد تا از خدا نافرمانی کنم و پوست جویی را از مورچه ای به زور بگیرم، انجام نمی دادم
- (۴) قسم به خداوند، اگر هفت سرزمین با هر آنچه زیر آسمان هایشان است به من بخشیده می شد تا از خداوند سر پیچی کنم و دانه جویی را از مورچه ای به زور بگیرم، انجام نمی دادم

۱۶- بَدَأَ الْقَوْمُ يَتَهَامَسُونَ: «إِنَّ الصَّنَمَ لَا يَتَكَلَّمُ؛ إِنَّمَا يَقْصُدُ إِبْرَاهِيمُ الْإِسْتِهْزَاءَ بِأَصْنَامِنَا

- (۱) مردم شروع به پچ پچ کردند: قطعاً بت سخن نمی گوید: ابراهیم فقط قصد بت های ما را مسخره کند
- (۲) مردم آهسته شروع به صحبت کردند: به درستی که بت سخن نمی گوید: تنها ابراهیم می خواهد بت های ما را مسخره کند

(۳) پچ مردم شروع شد: بی شک بت ها حرف نمیزنند، قصد ابراهیم تنها تمسخر بت های ما است

(۴) قوم شروع به گفت و گو کردند: همانا بت سخن نمی گوید فقط ابراهیم قصد مسخره کردن بت هایمان را دارد

۱۷- لِّلْسَانِ الْقَطِّ عُدُّ تُغْرِزُ سَائِلًا مُّطَهَّرًا فَيَلْعُقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عُدَّةَ مَرَاتٍ حَتَّى يَلْتَنِمَ

(۱) غده هایی که در زبان گربه وجود دارد حاوی مایع ضد عفونی کننده است که گربه زخمش را با چندین بار لیسیدن التیام

می بخشد

(۲) در زبان گربه غده هایی هست که به وسیله آم مایع ضد عفونی کننده ترشح می شود پس زخم گربه با چندین بار لیسیدن

بهبود می یابد

(۳) در زبان گربه غده ای وجود دارد که مایع پاک کننده ای تولید میکند و گربه زخم هایش را بارها می لیسد تا التیام یابند

(۴) زبان گربه غده هایی دارد که مایعی پاک کننده ترشح میکند پس گربه زخمش را چندین بار می لیسد تا اینکه بهبود یابد

عَيْنُ الصَّحِيحِ فِي التَّعْرِيبِ: (۱۷۸-۱۷۹)

۱۸- انقلاب صنعتی در بیشتر کشور ها باعث پیشرفت در تولیدات داخلی و تاسیسات حیاتی و تحصیلات عالی شده است.

(۱) كانت النهضة الصناعيّة قد أدّت إلى الرّقى في المشتقّات الدّوليّة والأبنية الرئيسيّة والأبحاث الغالية في أكثر الدول

(۲) في أكثر البلاد الثّوره الصناعيّة قد أدّت إلى التّقدّم في المنتجّات الوطنيّة والمنشآت الحيويّة والدّراسات العُليا

(۳) في أكثر بلاد أدّت الثّورة الصناعيّة إلى التّقدّم في المشتقّات الوطنيّة والمنشآت الرئيسيّة والأبحاث الغالية

(۴) كانت النهضة الصناعيّة في أكثر دُولٍ تودى إلى الرّقى في المنتجّات الدّوليّة والأبنية الحيويّة والدّراسات العُليا

۱۹- شیمل به همکارانش سفارش کرده بود که گروهی را برای گفت و گوی دینی و فرهنگی تشکیل بدهند که هدف برترش

همبستگی میان تمدن ها باشد.

(۱) إنّ شیمل قد أوصت زملاء ها بتشكيل جماعةٍ للمحاضرة الدّینیّة والحضاریّه يكون غرضها الأفضل التّضامن بين الثقافات

(۲) شیمل قد توصی أصحابها أن یشكلوا جماعةً للحوار الدّینی والحضاری يكون أعلى هدفها التّضامن بين الثقافات

(۳) كانت شیمل قد أوصب زملاء ها أن یشكلوا فريقاً للحوار الدّینی والثقافی يكون هدفه الأعلى الاتّحاد بين الحضارات

(۴) كانت شیمل توصی أصحابها بتشكيل فريقٍ للمحاضرة الدّینیّة والثقافیّة يكون غرضها الأعلى الإتحاد بين الحضارات

۲۰- عین الخطاء:

(۱) «.... وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ» به دین یکتا پرستی روی آور و هرگز از مشرکان نباش

(۲) «كُلُّ حَزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ» هر حزبی به آنچه دارد دلشاد است

(۳) «..... لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلٌ» حج خانه خدا بر مردم بر کسانی که بتوانند به سوی آن راه

یابند واجب الهی است

(۴) «وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا» گفتارشان تو را ناراحت نکند زیرا ارجمندی همه از آن خداست

۲۱- عین الخطا:

- (۱) الْكَرَى: هو أن يكون الإنسان بين التَّائِم و اليَقْظَان (۲) الطَّمَر: اللَّبَاسُ الْعَتِيقُ جَمْعُهُ الْأَطْمَارُ
(۳) الْعُشَّ: الَّذِي يَجْمَعُهُ الطَّائِرُ مِنَ الْعِيدَانِ وَ غَيْرِهَا فَيَبْيِضُ فِيهِ (۴) النَّهَشُ: الْعَضُّ بِالْأَسْنَانِ لِتَنْظَرِ أَصْلَبُ هُوَ أَمَّ خَوَار
۲۲- عَيِّنْ اِخْطَاءً:

(۱) ما أضمر أحدُ شيئاً إلَّا ظهرَ في فلتاتِ لسانِهِ: کسی چیزی را پنهان نکرد مگر اینکه در لغزش های زبانش آشکار شد
(۲) الحرص و الكبر و الحسدُ دواعٍ إلى التَّقَحُّمِ في الذَّنوبِ: حرص ورزی، خود بزرگ بینی و حسادت انگیزه های آلوده شدن به گناهان است

- (۳) قيمة كلِّ امرئ ما يُحْسِنُهُ: ارزش هر انسانی به آن چیزی است که آن را به خوبی انجام می دهد
(۴) كُلُّ وِعَاءٍ يَضِيقُ بما جُعِلَ فِيهِ إِلَّا وِعَاءَ الْعِلْمِ: هر ظرفی با آنچه در آن نهاده شده تنگ می شود به جز ظرف دانش
۲۳- عَيِّنِ الْخَطَا عَنْ مَعْنَى لِفْعَلِ (حَدَّدَ) (تهیه و تنظیم: ایران عرضه): (iran arze.ir)

(۱) حَدَّدَ السَّكِّينَ: چاقو را تیز کرد (۲) حَدَّدَ لَهُ: به نفع او تصمیم گرفت

(۳) حَدَّدَ إِلَيْهِ: قصد آن را کرد (۴) حَدَّدَ عَلَيْهِ: به او خشم گرفت

۲۴- عَيِّنِ الْخَطَا فِي التَّرْجُمَةِ الْكَلِمَاتِ:

(۱) الفسيلة - النَّمسا - الملزمة - نهال - اثريش - جزوه

(۲) الرِّصيد - النَّفَاية - المعوَّق - شارژ - زباله - امضاء

(۳) الْجُبُّ - المرفاع - النَّاشِيرة - دانه گندم - بخاری - امضاء

(۴) النَّفَقُ - البيئة - السَّماد - تونل - محيط زیست - کود

درک مطلب:

أَجِبْ عَنِ الاسْئَلَةِ التَّالِيَةِ مُسْتَعِيناً بِالْقَصِيدَةِ (۲۷- ۲۵)

رَأَيْتُ بِي بَعْضِ الرِّيَاضِ قُبْرَةً تُطَيَّرُ ابْنُهَا بِأَعْلَى الشَّجَرَةِ

و هِيَ تَقُولُ يَا جَمَالَ الْعُشِّ لَا تَعْتِمِدْ عَلَى الْجَنَاحِ الْهَشِّ

و قِفْ عَلَى عَوْدٍ بَحْنَبِ عَوْدٍ وَ افْعَلْ كَمَا أَفْعَلُ فِي الصُّعُودِ

فَانْتَقَلْتُ مِنْ فَنَنِ إِلَى فَنَنْ وَ جَعَلْتُ لِكُلِّ نَقْلَةٍ زَمَنَ

كَى يَسْتَرِيحَ الْفَرْخُ فِي الْأَثْنَاءِ فَلَا يَمَلُّ تَقْلَ الْهَوَاءِ

لَكِنَّةً قَدْ خَالَفَ الْإِشَارَةَ لَمَّا أَرَادَ يُظْهِرُ الشَّطَارَةَ

وَ طَارَ فِي الْفَضَاءِ حَتَّى ارْتَفَعَا فَخَانَهُ جَنَاحُهُ فَوْقَهَا

فَانْكَسَرَتْ فِي الْحَالِ رُكْبَتَاهُ وَ لَمْ يَنْلُ مِنَ الْعُلَا مُنَاهُ

وَ لَوْ تَأَتَّى نَالَ مَا تَمَنَّى وَ عَاشَ طَوْلَ عُمرِهِ مُهَنَّا

لِكُلِّ شَيْءٍ فِي الْحَيَاةِ وَقْتُهُ وَ غَايَةُ الْمُسْتَعْجَلِينَ قَوْنُهُ

۲۵- عین ما یختلف مع القصيدة فى المعنى:

(۱) إذا هبت رياحك فاعتنمها - فعقبى كل خافقة سكون

(۲) قد يدرك المتأنى بعض حاجته - و قد يكون مع المستعجل الزلل

(۳) عجلة الإنسان لوم - عند أصحاب المزية

ذمها كل البرايا فى دواوين القضية

(۴) عجلة الإنسان خير- من توان فى العطية

و كذا الإمهال شين - عند أصحاب السجية

۲۶- عین حديثاً یناسب القصيدة فى المعنى:

(۱) التودد فى كل شىء خير إلا فى عمل الآخرة

(۲) إن الله يحب من الخير ما يعجل

(۳) مع التثبت تكون السلامة و مع العجلة تكون الندامة

(۴) إذا هممت بخير فبادر، فإنك لا تدري ما يحدث

۲۷- عین الصحيح (جمع آوری شده توسط ایران عرضه) حسب القصيدة:

(۱) طيران الطائر انجاز صعب و كلما يبادر اليه يصيب إحداثة

(۲) أرادت القبرة أن تتعلم الطيران و لكن لم تتل منها

(۳) الطيران عمل سهل و لا يحتاج الطائر أن يجتهد فى تعلمه و يحصل عليه انفاً

(۴) إن كان يسمع ابن القبرة لإشارة أمه و لا يخالفها فما إنكسرت ركبته

أجب عن الأسئلة التالية مستعيناً بالنص: (۲۸ - ۳۰)

قال النبي (ص): النعمتان مجهولتان: الصحة و الأمان.

هذا الحديث يؤكد إلى أهمية الاهتمام بالجسد و دوره فى الحياة. من أهم الأسباب التي تؤدي إلى حفظ الصحة والسلامة هي الرياضة . الدور الذي تقوم به الرياضة فى تحسين صحة الجسم لا يقل عن دورها فى تحسين نضارة البشرة وإشراقها . حيث أنها تساعد فى زيادة تدفق الدم و طرد السموم التي يمكن أن تتلف الجلد. أما التمارين المنتظمة تؤدي إلى إنتاج زيوت الجلد الطبيعية و بقاء البشرة ناعمة و نضرة مع الأسف، إن الرياضة قد نُسيت فى هذه الحياة الصناعية التي سبب الأمراض البدنية و العقلية و الناس لا يهتم إليها و لا يجعل ساعة لها و هذا الأمر يضعف أجسامهم و يصيبهم بالأمراض المختلفة كضغط الدم، مرض السكر، الضعف فى الساقين و الخ. الذين يمارسون الرياضة يتمتعون من الحياة النضرة أكثر من الآخرين ويمد لهم عمرهم و يعطيهم عقلاً سليماً فى الجسم السليم و العلاقات الودية بالآخرين. فلماذا ؟ يعتقد علماء النفس أن الرياضة لها دور هام فى معالجة الأمراض النفسية.

۲۸- عین أنسب عنوان للنص:

- (۱) العوامل الفعالة في صحة الجلد
(۲) الصحة و علاقتها بالرياضة
(۳) اهمية الرياضة في الحياة الصناعية
(۴) دور الصحة و الأمان في الحياة
- ۲۹- عَيْن ما لا يُشير به النَّص:

- (۱) يعرف النَّاس اهمية الرياضة ولكنهم غافلون عنها
(۲) كان الاهتمام بالصحة منذ العصور القديمة
(۳) الرياض لها تأثير في التحسين نوعية العلاقات الإنسانية في المجتمع
(۴) إن لعلم النفس تأثيراً على حسن الجودة في الرياضة و الصحة
- ۳۰- عَيْن الخطاء عن دور الرياضة في الحياة مستعينا بالنَّص: ايران عرضه

- (۱) إن للرياضة تطيل الحياة دائما و تؤدي إلى أكثر التمتع منها
(۲) إن للرياضة دوراً هاماً في الوفاة عن الضعف في الساقين
(۳) تُفرز بعض زيوت البشرة الطبيعية عن طريق الرياضة و تجعل البشرة نضرة
(۴) في علم النفس، قد أكد على الإهتمام بالرياضة كإحدى طرق العلاج
- علوم بلاغي (معاني، بيان، بديع، عروض)

۳۱- ما هو الغرض عن ذكر المسند اليه في الآية الكريمة: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»

- (۱) التعريض (۲) التعظيم (۳) الترحم (۴) التعليم

۳۲- ما هو نوع الاطناب في الحديث التالي:

«الدهر يومان: يوم لك و يوم عليك»

- (۱) الايقال (۲) التذليل (۳) التوسيع (۴) الايضاح

۳۳- عين الخطاء حول اغراض الاستفهام:

- (۱) «أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ» التسويه
(۲) «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ»: النقي
(۳) «..... مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ»: التوبيخ و التحقير
(۴) «وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَى»: الإستثناس

۳۴- عين ما ليس فيه «التمني»

- (۱) «رَبَمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ»
(۲) «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ»
(۳) «لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا»
(۴) «وَقُلْ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا»

۳۵- عَيْنِ الْخَطَا فِي «المقصور» و المقصور عليه»

- (۱).... «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ» المقصور: تَوَكَّلْتُ
- (۲) «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُبِينٌ» المقصور عليه: ذَكَرُ
- (۳) «تَمَّا وَلِيَّكُمْ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ» المقصور: وَلِيَّ
- (۴) «شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ» المقصور عليه: بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ

۳۶- عَيْنِ مَا لَيْسَ فِي الْآيَاتِ التَّالِيَةِ:

أَيُّهَا الْفَاخِرُ جَهْلًا بِالنَّسَبِ إِنَّمَا النَّاسُ لَأَمٍّ وَ لَأَبٍ

هَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ فُضَّةٍ أَمْ حَدِيدٍ أَمْ نُحَاسٍ أَمْ ذَهَبٍ

بَلْ تَرَاهُمْ خُلِقُوا مِنْ طِينَةٍ هَلْ سَوَى لَحْمٍ وَ عَظْمٍ وَ عَصَبٍ

- (۱) مراعاة التَّظْيِيرِ (۲) الاستفهام الانكاري (۳) التَّشْبِيهِ (۴) القصر

۳۷- عَيْنِ الْخَطَا عَنْ أَغْرَاضِ النَّدَاءِ:

- (۱) قَالَ رَبِّ أُنِّى يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَأَنْتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا: لِلتَّعَجُّبِ
- (۲) قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي: لِلإِسْتِرْحَامِ وَ الإِسْتِعْطَافِ
- (۳) قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا لَكَ أَلَّا تَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ: لِلتَّوْبِيخِ
- (۴) رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ آمِنُوا بِرَبِّكُمْ فَآمَنَّا.....: لِلإِخْتِصَاصِ

۳۸- عَيْنِ الصَّحِيحِ عَمَّا يُرَادُ مِنْ صِيغِ النَّهْيِ فِيمَا يَلِي:

- (۱) وَلَا تَلْبِسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ: لِلتَّيْسِيسِ
- (۲) وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ: لِلتَّوْبِيخِ
- (۳) لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا: لِلإِثْنَانِ
- (۴) أَنْظِرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْظُرْ إِلَى مَنْ قَالَ: لِلتَّحْقِيرِ

۳۹- عَيْنِ (كَانَ) تَغْيِيدِ التَّشْبِيهِ:

- (۱) إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوقٌ
- (۲) كَأَنَّكَ مِنْ كُلِّ نَفُوسٍ مَرْكَبٌ فَأَنْتَ إِلَى كُلِّ النَّفُوسِ حَبِيبٌ
- (۳) فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكَ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِنْ قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ
- (۴) كَأَنَّ الْمَشْتَرَى مَتَرَدَّدٌ فِي شَرَاءِ الْبِضَاعَةِ وَ لَكِنَّ الْبَائِعَ عَازِمٌ عَلَى بَيْعِهَا

۴۰- عَيْنِ الْخَطَا فِي تَعْيِينِ عِلَاقِهِ الْمَجَازِ الْمُرْسَلِ

- (۱) مَا بَالُ النِّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ: الْكَلِيَّةِ
- (۲) فِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ: الْمُسَبِّبِيَّةِ

(۳) يقولون بأفواههم ما ليس في قلوبهم و الله أعلم بما يكتُمون: المحلّية

(۴) و اجعلْ لى لِسَانَ صِدْقٍ فى الآخِرِينَ: الالّية

۴۱- عَيْنِ ما ليس فيه «الكناية»

(۱) المُسلم مَن سَلِمَ النَّاسُ مِن لِسَانِهِ وَ يَدِهِ

(۲) خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُم لِلنَّاسِ

(۳) وَ لَا تُصْعِرْ حَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لَا تَمْشِ فى الأَرْضِ مَرَحًا.....

(۴) قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَن بَعَثَنَا مِن مَرْفَدِنَا

۴۲- عَيْنِ ما ليس فيه «الاستعارة» (متعلق به سایت ایران عرضه)

(۱) قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا

(۲) وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ.....

(۳) إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

(۴) وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُوَ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۴۳- أَيْ «محسنة لفظية» يوجد فى الالّية الشريفة

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

(۱) الإكتفاء (۲) المواردية

(۳) ما لا يستحيل بالانعكاس (۴) لزوم ما لا يلزم

۴۴- عَيْنِ ما فيه «تشابه الأطراف»

(۱) وَ مِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ

(۲) لِلَّهِ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ مِثْلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا مِصْبَاحٌ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ

(۳) هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا هُمْ يَحِلُّونَ لَهُنَّ

(۴) وَسَبَّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

۴۵- عَيْنِ ما يوجد فى هذه العبارة:

«مَنْ جَدَّ وَجَدَّ وَ مَنْ لَجَّ لَجَّ»

(۱) التّسميط (۲) التّشريح (۳) الازدواج (۴) التّطريز

۴۶- عَيْنِ ما ليس فيه «المقابلة»

(۱) قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَاسْتَكْتَرْتُ مِنَ الْخَيِّ.....

(۲) عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

(۳) وَ قُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ

۴) العلم و المال یسْتَرانِ کُلَّ عیبٍ و الجهل و الفقر یکشفان کُلَّ عیبٍ

۴۷- عین الخطأ عن «التشبيه» فی الایة الشریفة:

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ أَعْمَالُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَى شَيْءٍ ذَلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

(۱) التشبيه المجمل (۲) التشبيه الضمني

(۳) المشبه مفرد و المشبه به مرکب (۴) التشبيه المرسل

۴۸- ما هو الصحيح عن وزن الشعر التالي:

(قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا - فِي الْجَوْ مِثْلُ الشَّرَّةِ)

(۱) (-U- / -U- / -U- / -U-)

(۲) (-U- / -U- / -U- / -U-)

(۳) (-U- / -U- / -U- / -U-)

(۴) (-U- / -U- / -U- / -U-)

۴۹- عین الصحيح فی بحر الشعر التالي:

يا إلهي يا إلهي يا مجيب الدعوات

اجعل اليوم سعيدا و كثير البركات

(۱) هَزَج (۲) رَجَز (۳) رَمَل (۴) متقارب

۵۰- عین وزن البيت التالي:

إنما الفخر لعقلٍ ثابتٍ و حياءٍ و عفافٍ و أدبٍ

(۱) فاعلاتن فاعلن (۲) فاعولن فاعولن فَعَل

(۳) فاعلاتن مفاعيلن مفاعيلن (۴) مفاعيلن مفاعيلن فاعلاتن

تاریخ ادبیات و نقد ادبی:

۵۱- عین الخطأ عن تبادل المفردات بين لغتي الفارسيّة و العربيّة:

(۱) كان لابن المقفع دورٌ عظيمٌ في انتقال المفردات الفارسيّة إلى العربيّة

(۲) ألف الدكتور التّونجي كتاباً يبيدُ تبادل المفردات بين اللّغتي الفارسيّة و العربيّة

(۳) كانت التّجارة من اسباب دخول اللّغة الفارسيّة في العربيّة

(۴) إزداد نفوذ اللغة الفارسية في العصر الأمويّ في اللغة العربيّة

۵۲- عین الخطأ:

(۱) كان يعتمد الفرزدق في مدح آل البيت الى الغلو و المداهنه ليغطّي على ضعف العاطفه

(۲) كان الفرزدق في النّزع السّياسيّة يتظاهر مع الامويّين اذا قصت الحال و يَصْمُرُ الولاء للعلويّين

(۳) قال أبو عبيدة: لولا شعر الفرزدق لذهب ثلثُ اللّغة العربيّة

(۴) كان اكثر مرمى فرزدق فى أغراضه الشعريّة هو التّكسّب

۵۳- تتحدّث الفخره التّالىّ عَن (تهيه شده توسط ايران عرضه)

«كان قد أخذ هذا الشّاعِرُ العِلْمَ عن علماء البصرة و لا سيّما ابى عبيدة و حَصَلَ ثقافَةٌ واسعة: و كان الى جنب ذلك ميّالاً الى الرّذيله و جعل الشّعر صورةً لحَيّاتِهِ و له ديوان فيه خمر و مجون و غزل و مدح و رثاء و هجا و و قيل إنه من أصلٍ

فارسيّ»

(۲) أبونواس

(۱) بحتري

(۴) بشار بن برد

(۳) أبوالفتح على بن محمد بستي

۵۴- عَيّن الخطاء حول «الأصنام» و «الأوثان»

(۱) «الأصنام» و «الأوثان» تماثيل تجسّد كائناً حيّاً سواء كان انساناً أو حيواناً

(۲) «الأوثان» هي كلّ ما يعبّد من غير الله سواء كان هذا الشّيء انساناً أو حيواناً أو نباتاً أو جماداً

(۳) كلمة «الأوثان» هي خاصّة لالهٍ واحدٍ الذي كان يعبد البّشر قديماً

(۴) يصنعهما الانسان من الحجارة أو الخشب أو الذهب أو الحديد أو غيرها

۵۵- عَيّن «المطلع» لهاتين البيتين:

حضرت رَحلى الهُموم فَوَجَّهْتُ إلى أبيضِ المَدائنِ عَنسى

أُتسلّى عَن الحُظوظِ و آسى لِمَحَلٍّ مِنْ آلِ ساسانِ دَرسِ

(۱) لَمَنْ طَلَّلُ بذاتِ الخَمسِ، أَمسى عفا بين العقيقِ قَبْطنِ ضَرسِ

(۲) دَعِ المَكارِمِ لا تَرَحَّلِ لِبُغْيَتِها و اقْعَد: فَإِنَّكَ أَنْتَ الطَّاعِمُ الكاسِ

(۳) قل لِمَنْ يبيكى، على رسمِ دَرسِ واقفاً: ما ضَرَّ لو كان جَلَسِ

(۴) ضُنْتُ نفسى عَمّا يُدَنِّسُ نفسى و تَرَفَّعْتُ عَن جَدّا كُلِّ جُبَسِ

۵۶- عَيّن الخطأ عَن «معروف الرّصافى»

(۱) من ميزات شعر «ذلك هو الله» لمعروف الرّصافى هي متانة اللّغة و رصانة الاسلوب و السّهولة

(۲) كان معروف الرّصافى من مدرسة المتطّرفين الّتى إستعارت من شعراء الغرب معارض التفكير و الشعور والخيال

(۳) هو لم يهمل الأبواب الشعريّة القديمة و يصف الحياة الحاضرة لا سيّما الاجماعيّة

(۴) الرّصافى حىّ العاطفة، تلمس نبضات قلبه فى أبياتِهِ و هو يتطلّب القوافى الموسيقية

۵۷- عَيّن الصّحيح حول الاثار التالية على الترتيب:

«فقه اللّغة و سرّ العربية - منية المريد فى آداب المفيد و المستفيد- كشّاف اصطلاحات الفنون - دلائل الإعجاز و أسرار

البلاغة»

(۱) أبو منصور ثعالبى - محمد بن على التّهانوى- الشّهيد الثّانى- عبدالقاهر جرجانى

(۲) أبو منصور ثعالبی - الشَّهید الثَّانی - محمد بن علی التَّهَانوی - عبد القاهر جرجانی

(۳) عبد القاهر جرجانی - الشَّهید الثَّانی - محمد بن علی التَّهَانوی - أبو منصور ثعالبی

(۴) عبد القاهر جرجانی - محمد بن علی التَّهَانوی - الشَّهید الثَّانی - أبو منصور ثعالبی

۵۸- عَيِّن الخطأ عن «كلیلة و دمنة»

(۱) إِنَّ «ابن المقفع» قد نقل هذا الكتاب عن الفَهلویة الى العربیَّة غی العصر الأموی

(۲) هذا الكتاب وضع على ألسنة البهائم و الطَّیر حول تعالیم اخلاقیة موجَّهة أوَّلاً إلى الحکَّام

(۳) أوَّل مَنْ نظم «كلیلة و دمنة» شعراً هو «أبان اللاحقی»

(۴) اصل «كلیلة و دمنة» هنديّ مكتوب باللَّغة الهندیَّة القدیمة أی السنسکریتیَّة

۵۹- عَيِّن الخُطأ:

(۱) شعر الكمیت بن زید الأسدی یمثِّل عصر بنی مروان تمثیلاً صادقاً و هو شعر حیّ ناهض یدعو إلى الحیاة و النَّهوض

(۲) قد نشأ دعبل الخزاعی بفطرتة هجاء و طوی أكثر عمره متخفياً متوارياً عن العیان خشية أن يقع فی قبضة الذین هجَاهم

(۳) قد اتَّصل دعبل الخزاعی بالبلاط من أجل قومه و تدرَّج فی اتِّصاله إلى أن أخذ فی مدح الامویین و أظهر مشاركته لهم فی

نظریَّتهم السَّیاسیَّة

(۴) الكمیت بن زید الأسدی قد ورث التَّشبیح لأهل البیت عن بیئته بالكوفة و یدافع عنهم و قد سمیت قصائده «الهاشمیَّات»

۶۰- عَيِّن عبارة لا یوید النَّص التَّالی حول نزعة شعریَّة لِ «بَشَّارین بُرد» «إجتمع الشَّعر لبَشَّار طبعاً و فنّاً و كان شعره تقلیدیّاً

فی إرضاء الرِّجعیین و تجدیديّاً فی إرضاء الشَّعب و المجدِّدین و هكذا شعره صورة لنفسه المتقلِّبة و لبيئة المتأرجحة بین

القدیم و الحیث»

(۱) قد زاد بَشَّار شعره حیویة بما كان یوشیه من مجملات بدیعیة موفقه ولا سیما الإستعارات الرِّقیقة

(۲) لم یکن بَشَّار جاهلاً لِطرائق الشَّعر القدیم، غریباً عن أسالیبه و معانیه: فقد أخذ اللغة عن اهلها الخَلص

(۳) قد یغلب التَّجدید فی غزله، اسلوباً و معنی، إلا أنَّ ذلك الغزل لیس برئياً من المعانی القدیمة

(۴) قد یغلب التَّقْلِید فی مدحه اسلوباً و معنی: و مع ذلك فهو لا یخلو من تصاویر و معان طریفة

سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ	سوال	پاسخ
۱	۲	۲۴	۳	۴۷	۲						
۲	۴	۲۵	۴	۴۸	۴						
۳	۲	۲۶	۳	۴۹	۳						
۴	۳	۲۷	۴	۵۰	۱						
۵	۳	۲۸	۳	۵۱	۴						
۶	۱	۲۹	۲	۵۲	۱						
۷	۴	۳۰	۱	۵۳	۲						
۸	۲	۳۱	۲	۵۴	۱						
۹	۳	۳۲	۳	۵۵	۴						
۱۰	۴	۳۳	۱	۵۶	۲						
۱۱	۳	۳۴	۲	۵۷	۲						
۱۲	۳	۳۵	۳	۵۸	۱						
۱۳	۴	۳۶	۳	۵۹	۳						
۱۴	۱	۳۷	۴	۶۰	۲						
۱۵	۳	۳۸	۴								
۱۶	۱	۳۹	۱								
۱۷	۴	۴۰	۲								
۱۸	۲	۴۱	۱								
۱۹	۳	۴۲	۴								
۲۰	۱	۴۳	۴								
۲۱	۴	۴۴	۲								
۲۲	۱	۴۵	۳								
۲۳	۲	۴۶	۱								